

## قصه

# به شیرینی مهربانی

یکی بود، یکی نبود. زیر گنبد کبود. به مانی کوچولو بود که به همراه مانش توی به خونه نقلی زندگی می کرد. پدر مانی، وقتی اون خیلی کوچولو بود از دنیا رفته بود و مانی و مادرش، خانواده دوتفره شاد خودشون رو داشتند. به روز سرد پاییزی، وقتی مانی از خواب بیدار شد، حس کرد گلوش می سوزه، سرش دردمیکنه و دلش می خواد بیشتر و بیشتر بخوابه. مامان مهربونش وقتی حال مانی رو دید، گفت: «پسر خوبم. امروز مدرسه نرو و توی خونه استراحت کن. منم می رم محل کارم، مرخصی می گیرم، خرید می کنم و برمی گردم.» وقتی مانی توی خونه تنها شد، خوابش برد و به خواب شیرین و عجیب دید. مانی کوچولو خواب دید در نبود مامان، اثاث و ظرف و ظروف آشپز خونه و حتی که مریضی مانی رو دیدند، دست به کار شدند تا برای بهتر شدن حال بچه، به کارایی کنند. خانوم رنده، داخل هاون به چیزی می کوید. ظرف عسل، توی آب گرم سرازیر شده بود. کفگیر میوه ها رو قاچ می کرد و آب می گرفت. و فنجون ها آماده بودند تا آمیوه و شیر و دمنوش رو و بیارن کنار تخت؛ منظره قشنگی از عاطفه و مهربونی. مانی، غرق خواب شیرینش بود که با نوازش مامان بیدار شد و در کمال تعجب، دید مامان توی همون فنجون ها براش آمیوه و شیر و دمنوش آماده کرده. به مامان لبخند زد، به فنجون چشمک زد و نوشید.

## سلام

# سلام به شکوفه های رنگارنگ باغ زندگی!

به سلام گرم و پراثری به دوستان خوب و مهربون من و داداش کوشا. توی این روزهای سرد اواخر فصل پاییز، سلام می کنم به همه علاقه مندان صفحه دوست داشتنی فرفره؛ چه به هم سن و سال های نازنین خودم و چه پدر و مادرها و بزرگ ترهایی که مطالب این صفحه رو با صدای بلند برای کوچولوها می خوندند. دلم برای همه تون تنگ شده بود و خوشحالم که باز به دیدنتون اومدم. از صمیم قلب امیدوارم حال تک تک تون خوب باشه و از روز هاتون، از لحظه لحظه های قشنگ کودکی، لذت ببرید. این شما و این هم به فرفره دیگه، پر از قصه و شعور و رنگ و نقاشی.

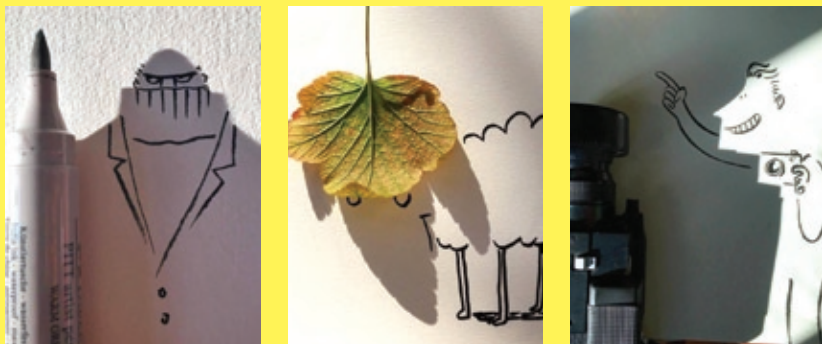
گرافیک:  
سحر صدارت



## بازی با نور و اشیا

### خلاقیت

دوستان خوب و خلاق! همیشه گفتیم که خلاقیت به معنی نگاه کردن به زندگی و دور و بر از زاویه ای تازه هست. ستون خلاقیت هم با نشون دادن نمونه هایی، سعی داره دنیای ذهن شمارو وسیع و رنگی کنه. این نقاشی های جالب با کمک نور و سایه و اشیا، رو ببینید.



# آبگوشت

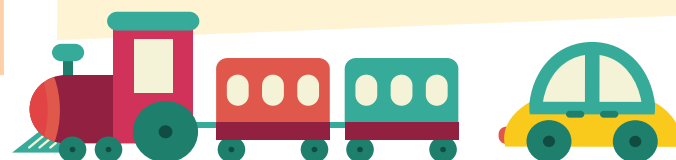
## شعر

دوغ و سبزی و پیاز، چیده مادر سفره را  
نان خشک و آبگوشت، هست امشب شام ما

هست در دست پدر، گوشت کوب کوچکی  
می کند تعریف از، خاطرات کودکی

خاطراتی از قدیم، با صدای گوشت کوب  
خانه را پر کرده است، یک فضای شاد و خوب

شاعر: عفت زینلی



# رنگین کمان زندگی مخفی حیوانات خانگی!



## ماجرا از چه قراره؟

«مکس» سگ خونگی کتی هست و خیلی به هر دوشون خوش می گذره. ولی به روز کتی، به سگ خیل و شماالو با خودش به خونه میاره تا با اون زندگی کنه. مکس اصلا نمی تونه حضور به همخونه رو تحمل کنه و دعوا بالا می گیره و ماجرا از وقتی شروع می شه که مکس و دوک (همون سگ شماالو) از خونه می زنن بیرون. این کارتون قشنگ و هیجان انگیز رو با کمک بزرگ ترها تهیه و تماشا کنید و لذت ببرید.

دوستان خوبم! شما حیوون خونگی دارید؟ ماهی، لاک پشت، مرغ عشق، هیچ فکر کردید توی ذهنش چی می گذره؟ یا وقتی از خونه بیرون می روید، چیکار می کنه؟ فکر می کنید ماهی کوچولو توی تنگ، دوستی هم داشته باشه؟ یا طوطی توی قفس، با کبوترهای توی خیابون هم حرف می زنه؟

انیمیشن دیدنی «زندگی مخفی حیوانات خانگی» که به تازگی وارد شبکه نمایش خانگی شده، به جورایی پرده از رازهای حیوون خونگی ها برمی داره.

## دانستنی ها

### قور باغه. FROG

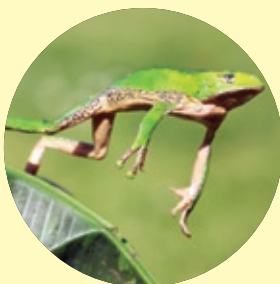
- بچه ها! قور باغه یک حیوان دوزیسته. یعنی می تونه دوجا زندگی کنه. هم در آب و هم در خشکی.
- زبان قور باغه، چسناک و درازه. سریع زبانش رو در میاره، به خوراکی های مورد علاقه اش می چسبونه و درسته قورت می ده.
- قور باغه خیلی خوب شنا می کنه. شما شنای قور باغه بلدید؟
- خونه قور باغه، نزدیک برکه و مرداب و جاهای مرطوبه.
- غذای قور باغه، حشره هایی مثل کرم، پشه و سنجاقک.
- اندازه قور باغه، معمولاً قدری بزرگتره.



# با قور باغه آشنا بشیم

## قور قور قورر

مدرسه قور باغه ها دوسه روزه که وا شده دوباره حوض خونه مون پر از سرو صدا شده شب ها اونایاد می گیرن فارسی، علوم و ریاضی زنگ های تفریح می کنند به عالمه با هم بازی خواب نمید توی چشم با این همه سرو صدا کاشکی منم اونجا بودم خوش به حال قور باغه ها



یک دفعه بابا قور باغه احساس خطر کرد. داد زد: به من می گن بابا! و زود تند سریع، جست زد توی آب، رفت و از نی ها مراقبت کرد. چون قور باغه ها موقع خطر، با کمک دست و پای قوی شون، خیلی خوب می جهند.



نی نی قور باغه ها کم کم دست و پا در آوردند و رفتند توی خشکی. نی نی ها نه سردشون شد، نه گرمشون. چون قور باغه ها خونسردند؛ یعنی گرمای بدنشون مثل گرمای اطرافشونه.



خیلی زود، نی نی قور باغه ها از تخم بیرون اومدند. اونا فقط به کله گنده، چشم قلبنه و دم دراز دارن. نی نی ها همون جاتوی آب می مونند. چون نی نی قور باغه ها تا وقتی دست و پا در نیارن، فقط توی آب می تونند زندگی کنند.



زندگی قور باغه ها چه جوریه؟ خانم قور باغه و آقا قور باغه خوشحال بودند و داشتند با لبخند، تخم هایی که خانم قور باغه توی آب ریخته بود رو نگاه می کردند؛ چون قور باغه ها تخم گذارن.

